

دوتا ۳۸	بررسی کتابمقدس
	يك شاگرد يك دوست واقعي است
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از راديو " خوش آمدید . در این مجموعه بررسی کتابمقدس، یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح باشید . دو معلم به اتفاق هم بررسی کتابمقدس را در مورد یکی از جنبه های مهم شاگردی عیسی مسیح انجام خواهند داد . ما از يك روش بسیار ساده بررسی کتابمقدس به نام روش پنج قدم استفاده خواهیم کرد . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در يك دفترچه ، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . مجموعه دوم از تعالیم ۶ گانه کتابمقدس در مورد ۶ نوع ارتباط مهم می باشند . محبت مسیحی ، دوستی مسیحی ، رابطه مسیحی مردان - زنان ، رابطه زناشویی مسیحی ، رابطه مسیحی والدین با فرزند و ارتباطات با یوغ نابرابر . بررسی امروز کتابمقدس این است: يك شاگرد يك دوست واقعي است . سؤال اساسی این است: ویژگی های دوستی مسیحی چیست ؟

### (S) قدم ۱. بخوانید .

بیاید یوحنا ۱۵ : ۱۳ - ۱۵ را بخوانیم . اجازه بدهید هرکدام به نوبت يك آیه را بخوانیم . محبتی بیش از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند . (T) دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می کند ، انجام دهید . (S) دیگر شما را بنده نمی خوانم ، زیرا بنده از کارهای اربابش آگاهی ندارد بلکه شما را دوست خودمی خوانم ، زیرا هر آنچه از پدر شنیده ام ، شما را از آن آگاه ساخته ام . "

### (T) قدم ۲. کشف کنید .

بیاید چند حقیقت مهم در این قسمت را با هم کشف و در مورد آن بحث کنیم . " کدام حقیقت موجود در این قسمت از نظر شما مهم است ؟ " یا " کدام حقیقت موجود در این قسمت فکر یا قلب شما را لمس می کند ؟ " فکر کنید و پاسخ خود را در دفترچه یادداشت خود بنویسید .

(S) يك حقیقت مهم از نظر من در یوحنا ۱۵ : ۱۳ می باشد . عیسی می گوید کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد . آنچه عمیقاً مرا تحت تأثیر قرار می دهد این حقیقت است که عیسی مرا دوست خودمی خواند . در رومیان ۵ می خوانم که قبل از مسیحی شدنم چه کسی بودم . در آن زمان ضعیف ، بی خدا ، گناهکار و دشمن خدا بودم . بخصوص از نظر شخصیت ضعیف و کاملاً از تغییر دادن خود عاجز بودم . من بی خدا بودم . من باور نداشتم که خدا وجود دارد یا فکر نمی کردم که به خدا احتیاج دارم یا کارهایی می کردم که مخالف با خواست خدا بودند . من هدف خدا را در زندگی از دست داده بودم و مانند یک دشمن خدا زندگی می کردم . قبل از اینکه مسیحی بشوم ، دشمن خدا بودم . اما حالا عیسی مرا دوست خود می خواند ! روی زمین تعدادی دوست دارم ، اما دوستی عیسی با هیچ دوست زمینی قابل مقایسه نیست ! به عنوان دوست من ، او لقمه ای خواهد به من نزدیک شود و با من کارهایی انجام دهد . مهمترین حقیقت از نظر من این است که من ، یعنی دشمن قبلی او ، حالا دوست عیسی مسیح خوانده می شوم .

(T) يك حقیقت مهم از نظر من در یوحنا ۱۵ : ۱۴ می باشد . عیسی می گوید ، " دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می کند ، انجام دهید . " می دانم که دوستی ، خودبخود اتفاق نمی افتد . دوستی شامل مسئولیتهایی می شود . فقط وقتی می توانم دوست عیسی باشم که از فرامین و تعالیم او اطاعت کنم . قبل از آن عیسی در آیات ۹ ، ۱۰ می گوید ، " در محبت من بمانید . اگر احکام مرا نگاه دارید ، در محبت من خواهید ماند . " فقط با انجام همیشگی راده مسیح می توانم مطمئن باشم که در محبت او می مانم . این وظیفه من است که فرامین او را بشناسم و همینطور این مسئولیت من است که از فرامین او اطاعت کنم . مهمترین حقیقت از نظر من این است که اگر طالب دوستی واقعی هستم پس در آن ارتباط دوستانه دارای مسئولیتهایی می باشم .

### (S) قدم ۳. سؤال

بیاید سعی کنیم تمام حقایق موجود در این قسمت را درک کنیم و در مورد مسائلی که هنوز نفهمیده ایم سئوالاتمان را بپرسیم . " در این قسمت در زمینه های مختلف چه سئوالاتی وجود دارد که دوست دارید آنها را بپرسید ؟ فکر کنید و سئوالات خود را در دفترچه یادداشت خود بنویسید . سپس این سئوالات را مورد گفتگو قرار دهید و سعی کنید پاسخ آنها را پیدا کنید .

سؤال اول از آیه ۱۳ . جان خود را برای دوستان دادن یعنی چه ؟

(T) فکر می کنم باید بین نحوه ای که عیسی زندگی خود را برای ما داد و از طرف دیگر نحوه ای که ما زندگیمان را فدای دوستانمان می کنیم تمایز قائل شویم . محبتی که مسیح در هنگام مرگش بر صلیب نسبت به ما داشت منحصر به فرد است . ارزش نامحدود محبت او ، ویژگی جانشینی محبت او و نتایج رهایی بخش محبت او هیچگاه نمی توانند نمونه

ای برای محبت ما باشد. از این لحاظ محبت عیسی مسیح کاملاً منحصر به فرد است. عیسی نه تنها به نفع ما مرد بلکه به جای ما نیز مرد! محبت مسیح، محبت جانیشینی است. محبت او باعث شد جریمه گناهان ما پرداخت شود. او به جای ما عذاب دوری از خدا را متحمل شد.

در صورتیکه هم آیه ۱۲ و هم ۱۳ می گویند، “حکم من این است: یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده ام. محبتی بیش از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند.” این نشان می دهد که راهی وجود دارد تا محبت عیسی مسیح نسبت به ما به عنوان دوستانش، الگویی برای محبت ما نسبت به دوستانمان باشد. این ویژگی محبت مسیح که ما بایستی از آن پیروی کنیم طبیعت از خود گذشته محبت او است. عیسی می گوید با از خودگذشتگی، یکدیگر را محبت کنید همانطور که من با ایثار شما را محبت کرده ام. وقتی می توانیم با از خودگذشتگی محبت کنیم که خودمان و علائق خود را انکار کنیم. محبت ایثارگرانه همیشه بهایی دارد. بهای آن پول، وقت، انرژی و انکار خود است. گرچه نمی توانم نسبت به دوستانم محبت جانیشینی داشته باشم ولی می توانم و باید محبت فداکارانه خود را نسبت به آنان نشان دهم.

سؤال دوم از آیه ۱۴. اگر بعضی از احکام عیسی را نتوانم نگاه دارم آیا باز هم دوست او بشم می آیم؟

(S) این سئوالی جالب است.

اول. بیابید توجه کنیم که شاگردان در آن زمان به چه چیز شباهت داشتند؟ در مسیر شام و درحین خوردن غذا همان شاگردان با یکدیگر بحث می کردند که چه کسی از همه بزرگتر می باشد (لوقا ۲۲: ۲۴). و زمانیکه به بالاخانه وارد شدند هیچکس مایل نبود پایهای دیگران را بشوید (یوحنا ۱۳). بلافاصله بعد از خوردن غذا حتی نتوانستند یکساعت با او بیدار بمانند و دعا کنند. وقتی آن جماعت برای دستگیری عیسی آمدند پطرس خشمگین شد، شمشیرش را کشید و گوش یکنفر را برید. بعد از آن شاگردان، عیسی را تنها گذاشته و فرار کردند. روز بعد، صبح زود، پطرس سه بار عیسی را انکار کرد. در بسیاری از موارد شاگردان کمبودهای شخصیت خود را نشان دادند ولی با وجود این که عیسی می دانست چه اتفاقاتی خواهد افتاد باز هم به آنها می گفت، “شما دوستان من هستید.” چقدر محبت عیسی فروتنانه است!

دوم. بیابید هرگز فراموش نکنیم که دوستی واقعی مستلزم پذیرش مسئولیت است. دوستی با عیسی براساس واژه های ما نیست بلکه براساس واژه های او است. عیسی تعیین می کند که چه چیزهایی دوستی با او را تشکیل می دهد و چه چیزی متعلق به دوستی او نیست. او شخصی است که فرمان می دهد و محدودیتهای این ارتباط دوستانه را تعیین می کند! این مسئله مهم است. دوستی با عیسی مثل دوستی های دنیا نیست دوستی در دنیا ترکیب مشخصی از احساسات است مجموعه ای از دوست داشتنها و دوست نداشتنهای متقابل. هیجان ناشی از با هم بودن و انجام کاری با یکدیگر. اما دوستی با مسیح اطاعت کردن از فرامین او است. عیسی واژه ها و همینطور محدودیتهای رابطه دوستی با خود را تعیین می کند.

سوم. چطور می توانیم مسئولیت شاگردان یعنی اطاعت از فرامین عیسی را با محبت فروتنانه او نسبت به آنها تطابق دهیم؟ شاگردان با این همه قصورات چگونه می توانستند دوستان عیسی باشند؟ پاسخ در آیه ۱۹ است جایی که عیسی می گوید، “من شما را از دنیا و گزیده ام.” او شاگردانش را با تمام ضعفهایشان انتخاب کرد تا مال او باشند. پس او آنها را از حکومت شیطان و گناه نجات داد. کمی بعد از اینکه بر صلیب به خاطر شاگردانش مرد، روح القدس را بر آنها ریخت. فقط با قدرت و حکمت روح القدس، آنها با وجود همه قصورات طبیعی خود خواهند توانست از فرامین عیسی اطاعت کنند. عیسی به همه آنانی که نجاتشان می دهد فرمان می دهد که از او اطاعت کنند اما آنها را با روح القدس نیز تقدیس می کند تا بتوانند و بخواهند که او را اطاعت کنند.

سومین سؤال از آیه ۱۵. شاگردان در یوحنا ۱۳ غلام خوانده شده اند درحالیکه اینجا در یوحنا ۱۵ “دوستان” نامیده می شوند. چرا شاگردان عیسی دیگر “غلام” خوانده نمی شوند؟

(T) اول. عیسی تعلیم می دهد که در ارتباط با مقام، “غلام” بودن شاگردان هرگز پایان نخواهد یافت. یوحنا

فصلهای ۱۳ - ۱۷ در طی پنجشنبه شب و قبل از مصلوب شدن او اتفاق افتاد. همان شب، کمی قبل، عیسی و شاگردانش شام فصح را خوردند و عیسی به شاگردانش اهمیت فروتنی در خدمت را تعلیم داد. او نخست پایهای شاگردانش را شست و به آنها گفت که این به معنی غلام بودن می باشد. او گفت که هیچ غلامی بزرگتر از آقای خود نیست. شاگردان مسیحی هرگز بزرگتر از استادشان، یعنی عیسی مسیح نیستند. اما اگر استادشان عیسی پایهای آنها را شست چقدر بیشتر شاگردانش باید پایهای یکدیگر را بشورند؟ عیسی از مقام شاگردان در ارتباط با مسیح سخن می گفت. در ارتباط با مقام روحانی، عیسی مسیح همیشه آقا و پادشاه و خداوند است، کسی که خدای نادیدنی را بر آنها آشکار کرد و شاگردان مسیحی همیشه غلام او هستند. اما خصلت مسیح و مسیحیان این است که بر مردم خداوندی نکنند. آنها با زور و دستورات قانونی بر آنها حکومت نمی کنند اما همدیگر را در محبت خدمت می کنند. مثل عیسی مسیح تمام مسیحیان بایستی مشتاق انجام خدمت در مواردی باشند که هیچکس نمی تواند و یا نمی خواهد آنها را انجام دهد!

دوم. عیسی تعلیم می دهد که در ارتباط با رابطه، آنها همیشه دوستان او خواهند بود. عیسی قبلاً چیزهای بسیار مهمی به شاگردان گفته بود که در ذات انسانی خود از خدای پدر یاد گرفته بود. او به آنها گفت که چرا پدر او را به زمین

فرستاد : تا گمشده را بجوید و نجات بخشید . او گفت که رنج خواهد کشید : تا جریمه گناهانشان را پرداخت کند . او گفت که چرا زمین را باید ترک کند : تا روح القدس را بر شاگردانش بریزد و جایی در آسمان برای آنها آماده کند . معمولاً يك آقا چنین حرفهایی به غلامانش می زند . عیسی این حرفها را به شاگردانش گفت چون آنها دوستانش شده بودند . وقتی عیسی بر نزدیکی ارتباط بین خود و شاگردانش تأکید می کند ، استفاده از واژه غلام دیگر درست نیست بلکه واژه " دوست " توصیف درستی از این ارتباط است . به علاوه تفاوت دیگری هم بین واژه های " غلامان " و " دوستان " وجود دارد . معلمین مذهبی یهود ، یهودیان را غلام شریعت مذهبی خود ساخته کرده بودند . شریعت خدا را تبدیل به شریعت مذهبی انسانی ساخته و از آنها بارهایی ساختند که پیروانشان بایستی آنها را برگردنهای خود حمل می نمودند . بر خلاف آنها ، پیروان عیسی مسیح بار سبک و آسان " یوغ عیسی " را دریافت کردند که حمل کنند . (متی ۱۱ : ۳۰) . شاگردان عیسی مسیح دیگر " غلامان " احکام و سنتهای مذهبی ساخته انسانها نبودند . آنها دوستان عیسی مسیح شده بودند و خود را به اهداف عیسی مسیح سپردند .

**خلاصه** . عیسی کسانی را که به صورت جانشینی و ایثارگرانه ، زندگیش را برایشان داد ، دوستان خود می خواند . عیسی آنانی را که تعالیم او را به عمل می آوردند ، دوستان خود می خواند . عیسی کسانی را دوستان خود می خواند که آنچه از خدای پدر می آموزند با دیگران در میان می گذارند .

**سؤال چهارم** . یوحنا ۱۵ : ۱۳ - ۱۵ در مورد دوستی انسانی چه تعلیمی می دهد ؟

(S) یوحنا ۱۵ : ۱۳ - ۱۵ در ارتباط با دوستی انسانی سه اصل بسیار مهم را تعلیم می دهد .  
**اصل اول** از آیه ۱۳ استنباط می شود . "با محبت کردن یک نفر به صورت ایثارگرانه می توانید با او طرح دوستی بریزید " . منتظر نمانید که کسی با شما دوست شود . قدم اول را شما بردارید و با او دوست شوید ! مردم دنیا اغلب می پرسند ، "چه کسی دوست من است ؟" اما يك مسیحی باید اینطور بپرسد : "من دوست چه کسی هستم ؟" . عیسی قدم اول را برمی داشت و با کسانی دوست می شد که زمانی دشمنان او بودند . مثل عیسی ، مسیحیان بایستی قدم اول را بردارند و به طرف آدمهای بی محبت بروند و محبت ایثارگرانه خود را به آنها نشان بدهند . آنها باید به سمت انسانهایی که دوست داشتنی نیستند بروند و رفتار نستانه ای نسبت به آنها نشان دهند . به سمت آدمهای تنها بروند و با آنها دوست شوند و همچنین به طرف آدمهای گمشده بروند و آنها را به نزد مسیح بیاورند .

**اصل دوم** از آیه ۱۴ استنباط می شود . دوستی خود را در صورتی حفظ می کنید که یکدیگر را به سمت معیارها و محدودیتهای فرامین عیسی مسیح سوق دهید . یکدیگر را به سمت معیارها و شیوه زندگی گاه آلود این دنیا سوق ندهید ، بلکه یکدیگر را به سمت معیارها و شیوه زندگی مطیعانه نسبت به مسیح بالا بکشید . دوستی واقعی هرگز در یک فضای دروغ و فریب وجود ندارد . دوستی واقعی فقط در فضایی وجود دارد و تغذیه می شود که در آنجا ، به مسیح محبت و به تعالیم او عمل شود .

بر خلاف این، مردم دنیا از دیگران انتظار دارند که از ارزشها ، معیارها و شیوه زندگی خود پایین تر آمده و دست بکشند و بی ایمان باشند تا آنها را بپذیرند و " دوستان " خود بخوانند .

اما مسیحیان هر تلاشی را انجام میدهند تا چنین افرادی را به سوی ایمان به مسیح ، به سمت حقیقت و ارزشهای عیسی مسیح ، به سوی یک زندگی پیروز بر گناه و بی تفاوتی نسبت خدا و به سمت دوستیهای پر معنی و ماندنی بالا بکشند . مسیحیان دوستانی هستند ، نه با هم رنگ شدن با مردم دنیا بلکه با تغییر یکدیگر در جهت اینکه بیشتر شبیه عیسی مسیح شوند .

**اصل سوم** از آیه ۱۵ استنباط می شود . " با در میان گذاشتن آنچه از خدا یاد گرفته اید دوستی خود را عمیق می سازید " . صحبتهای خود را محدود به چیزهای مادی و خبرهای روزمره نکنید . در مورد خدا ، کتابمقدس و چیزهایی که خدا دائماً به شما می آموزد نیز حرف بزنید . مردم دنیا اغلب می ترسند که در مورد موضوعات روحانی صحبت کنند چون در مورد آنها اطلاعی ندارند . مسیحیان بایستی در کشف حقایق روحانی طوری به آنها کمک کنند که برایشان آزردهنده نباشد .

**خلاصه** . من در صورتی دوست کسی به شمار می آیم که قدم اول را برداشته و او را فداکارانه محبت کنم . در صورتی که او را به سمت ارزشها ، شیوه زندگی و چارچوب تعالیم مسیح بکشم و با او صادق باشم و آنچه از خدا آموخته ام را با او در میان بگذارم .

(T) **قدم ۴ . کاربرد**

بیباید افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذاریم و فهرستی از کاربردهای مکان پذیر براساس یوحنا ۱۵ : ۱۳ - ۱۵ تهیه کنید .

(S) **قدم اول** را بردارید و با شخصی که با شما مخالفت می کند یا تنها بی محبت و گمشده است دوست شوید .

(T) همه دوستانتان را به سمت معیارها و محدودیتهای فرامین مسیح بکشانید . او را به سمت شیوه زندگی ای بکشانید که مطابق با تعالیم مسیح است .

(S) آنچه از خدا آموخته اید با دوستانتان در میان بگذارید .

(T) سپس توجه کنید که خدا از شما می خواهد ، کدام کاربرد امکان پذیر را تبدیل به کاربرد شخصی بکنید .

(S) کاربرد شخصی من این است . انجیل یوحنا به من یاد داده است که چگونه دوست پیدا کنم . به عوض اینکه همیشه خودم را با این سؤال سرگردان کنم که چه کسی دوست من است . می خواهم قدم اول را بردارم و با محبت کردن دیگران به صورت فداکارانه با آنها دوست شوم . می خواهم برای دیگران دوست باشم به عوض اینکه بخواهم آنها دوست من باشند . واقعاً می خواهم در مورد انکار خود و فداکاری ، بیشتر یاد بگیرم . می خواهم کتاب امثال را مطالعه کنم که تعالیم زیادی در مورد دوستی واقعی دارد . سه واژه ای که می خواهم به خاطر بسپارم اینها هستند : انکار خود ، ایثار ، و انضباط شخصی .

(T) کاربرد شخصی من این است . به عنوان يك دوست می خواهم به رشد مسئولیتهایم ادامه دهم . انجیل یوحنا به من تعلیم می دهد که مسئولیت دارم دوستانم را به سوی معیارها و محدودیتهای شناخت عیسی مسیح و اطاعت از فرامین و زندگی بر طبق تعالیم او سوق دهم . می خواهم آنچه را از خدا یاد می گیرم با آنها در میان بگذارم . کتاب امثال مرا چنین تعلیم می دهد که مسئولیت تر اشیدن شخصیت دوستانم به عهده من است تا آنها برای خدا و سایر مردم بهترین شوند . تنها گمّه ای که می خواهم به خاطر بسپارم تأثیر است . می خواهم از راهی درست و به بهترین نحو دوستانم را تحت تأثیر قرار دهم .

### (S) قدم ۵ . دعا

بیباید به نوبت در مورد يك حقیقت که از یوحنا ۱۵ : ۱۳ - ۱۵ یاد گرفته ایم دعا کنیم . پدر آسمانی عزیزم ، از تو می خواهم که به من فیض بدهی تا با داشتن محبتی ایثارگر و انضباط خود رابطه دوستانه برقرار کنم . کمک کن که به خصوص با کسانی دوستی برقرار کنم که محتاج این دوستی هستند و تنها و ملیوس می باشند .

(T) پدر آسمانی عزیزم ، دعا می کنم که به من محبت زیادی نسبت به دوستانم بدهی که همیشه تأثیر خوبی بر آنها داشته باشم به من کمک کن تا با بزرگواری در مقابل تأثیر منفی آنها مقاومت کنم و در عوض آنها را به سمت اطاعت از تعالیم مسیح بکشانم .

### (S) تکلیف برای هفته بعد

اول . بررسی هفته آینده کتابمقدس را آماده کنید . عنوان این بررسی این است " يك شاگرد پرهیزگار است " . و آن قسمت از کتابمقدس که بررسی می کنیم اول تسالونیکیان ۴ : ۱ - ۸ است .

دوم . به يك مشارکت خانگی که در آن کتابمقدس را بررسی می کنند ملحق شوید . کتابهای دستور عمل " بروید و شاگردان بسازید " را ملا حظّه کنید و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم ....

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید .